

نوبل و جایزه‌های او

آلفرد نوبل در ۲۱ اکتبر سال ۱۸۳۳ در استکهلم، دیده به جهان گشود و در ۱۰ دسامبر ۱۸۹۶ در سان‌رمو^۱، در ایتالیا درگذشت. هستی او، همچون مضمون کارهایی که از زندگی‌اش باقی گذاشت، اسرارآمیز بود. نوبل از خود ثروت قابل توجه و وصیت‌نامه‌ای به جای نهاد که نام او را در پهنه جهان مشهور ساخت. با این وجود نمی‌توان از باورهای او، به طور دقیق و آشکار سر در آورد.

خانواده نوبل که در اصل نامشان نوبلیوس^۲ بوده، در شرق نِبه‌لُو^۳، در استان کریستین شتاد^۴ زندگی می‌کردند و نام آنها از حدود سالهای ۱۶۰۰ برای مردم شناخته شده بوده است. ایمانوئل نوبل^۵ (۱۸۷۲ - ۱۸۰۱)، مردی مخترع و صاحب نظر در امور صنعتی بود. او حدود دو دهه در سنت پترزبورگ، در روسیه زندگی کرد. از جمله کارهایش در آنجا می‌توان از ساخت مین‌های زیردریایی نام برد که در جنگ کریمه مورد استفاده قرار گرفت. به جز این، تعداد قابل توجهی ماشینهای تولیدی نیز ساخت.

ایمانوئل نوبل چهار پسر داشت به نامهای روبرت، لودویگ، آلفرد و امیل که همه آنها از استعداد فنی قابل توجهی برخوردار بودند.

روبرت و لودویگ، شرکت نفت برادران نوبل را تأسیس کردند و به استخراج نفت در باکو پرداختند. شرکت آنها در زمان خود، یکی از بزرگترین شرکتهای صنعتی در روسیه بود. علاوه بر این، لودویگ یکی از موفقترین تولیدکنندگان ابزار جنگی به شمار می‌آمد.

آلفرد نوبل، در استکهلم پا به جهان گذاشت. در نه سالگی به سنت پترزبورگ مهاجرت کرد و دوران جوانی خود را در آنجا گذراند. آلفرد نوبل هفده ساله، در سال ۱۸۵۰ سفر تحصیلی خود را به کشورهای گوناگون آغاز کرد. مدت یک سال در پاریس، در رشته شیمی تحصیل کرد. به زودی به مطالعه در مواد منفجره علاقمند شد و مطالعاتش را در زمینه کشف و اختراع مواد گوناگون تکامل بخشید.

کشف بنیانی آلفرد نوبل در زمینه آتشرایی آغازین با چاشنی بود که نیروی ذخیره شده در نیتروگلسیرین را، که روغن مایع غلیظی بود، رها می کرد.

او نوآوریهای دیگری نیز در زمینه مواد منفجره داشته است. نوبل صاحب هزار اختراع بوده که امتیاز سیصد تا از آنها را به ثبت رسانده است. او برای رسیدن به نتیجه کار، به هر نوع خطری تن می داد. علاقه و توجهش به ماده نیتروگلسیرین، در پاریس بیدار شد، در پترزبورگ، به اوج خود رسید و در استکهلم، به فاجعه انجامید.

پس از جنگ کریمه، ایمانوئل و آندریتا نوبل همسر او، همراه با کوچکترین پسرشان امیل، به سوئد برگشتند. در آن زمان، ایمانوئل، در زمینه تولید مین های زمینی و دریایی موفقیت های چشمگیری به دست آورده بود. تولید او در این زمینه، حتی توجه نیروی دریایی انگلستان را به خود جلب کرده بود.

ایمانوئل نوبل، در باغ هلنه بوری^۱، در کنار پل سوندت^۲، در جنوب استکهلم سکنی گزید.

آلفرد چند سالی در پترزبورگ باقی ماند و در آن مدت با پشتکار فراوان روی ماده نیتروگلسیرین کار کرد و آزمایشهای فراوانی انجام داد. در پائیز سال ۱۸۶۳ به استکهلم آمد تا امتیاز روش جدیدی را که در مورد ماده منفجره به دست آورده بود، به ثبت برساند. در هلنه بوری، در آزمایشگاه بزرگی که خارج از محل اصلی سکونت او بود، به آزمایشهایش در زمینه ماده منفجره ادامه داد. در یک سپیده دم در ماه سپتامبر سال ۱۸۶۴، فاجعه بزرگی به وقوع پیوست. تمامی منطقه، از شدت انفجاری که ساختمان آزمایشگاه را به قطعات کوچکی تبدیل کرده بود، آسیب دید. انفجار تقریباً به تمام ساختمانهای نزدیک به آزمایشگاه، آسیب رسانده بود. تکه های الوار به هوا پرتاب شده بودند و شدت موج ناشی از انفجار، شیشه های خانه های مسکونی را تا مسافت درازی خرد کرده بود. یک تکنیسین جوان، یک پسر پادو، یک خدمتکار زن، یک کارگر رهگذر و امیل، برادر ۲۱ ساله آلفرد نوبل، قربانیان این انفجار بودند.

به نظر می رسد که دلیل اصلی این حادثه، آزمایشهایی بوده که امیل برادر کوچک آلفرد نوبل، با تکنسین جوانی به طور مستقل بر روی ماده خالص نیتروگلسیرین، انجام می دادند. آزمایش مزبور، انفجاری را پدید آورده بود که به نوبه خود به انبار مواد منفجره در

همان نزدیکی سرایت کرده و پس از آن، موجب آن انفجار هولناک گردیده بود. علت رخ دادن چنین حوادثی بیشتر این بود که هیچکس به اندازه کافی از ویژگیهای متغیر نیتروگلسیرین و رابطه اش با دما، رطوبت و میزان خالص بودن آن، آگاه نبود.

زمانی که حادثه روی داد، آلفرد نوبل ۳۲ ساله، خود در همان نزدیکی حضور داشت و شاهد آن بود. اما حتی مشاهده چنین حادثه‌ای نتوانست او را از پژوهشهای بعدی باز دارد.

آلفرد نوبل اندامی نسبتاً کوتاه و بدنی ضعیف داشت و در شمار افرادی نبود که بتواند از این نظر توجه کسی را به خود جلب کند. اکثراً تنها بود و افسردگی و تنهایی را به راحتی پذیرا شده بود. او از مرگ و پدیده‌های اسرارآمیز پس از آن، هراسان بود، با این وجود، ترس از مرگ نیز نتوانسته بود مانع از انجام تحقیقاتش شود.

او آزمایشگاه دیگری، بر روی یک کَرَجی، در آبراه بوک هولم^۸ در میلان^۹ بنا نمود که حدود یکی دو مایل از استکهلم فاصله داشت و در همانجا آزمایشهای خود را برای رسیدن به هدف نهایی خود دنبال کرد. هدف اصلی او این بود که ماده نیتروگلسیرین را به ماده منفجره مهارشدنی و قابل حمل تکامل بخشد. نوبل در این زمینه، موفق شد که پس از پژوهشهای فراوان با روشهای گوناگون، سرانجام راه کار را پیدا کند. او از ترکیب ماده نیتروگلسیرین و ماده اصلی سیلیکون خمیری به دست آورد و با استفاده از این ترکیب - اگر چه مقداری از نیروی اولیه آن از بین می‌رفت - می‌توانست متغیر بودن ماده نیتروگلسیرین را مهار کند. نوبل این کشف جدید خود را «دینامیت» نامید و امتیاز آن را در سال ۱۸۶۷ به ثبت رساند.

با کمک قتیله و چاشنی، نیروی ماده خمیرمانند، می‌توانست تنظیم گردد و مورد استفاده قرار گیرد.

نوبل اکنون تنها یک مخترع نبود، بلکه یک کارخانه‌دار، رئیس شرکت، متخصص در امور صنعتی و اقتصاددان نیز به شمار می‌آمد. آینده‌ای درخشان داشت و ثروت هنگفتی نیز به دست آورده بود. او ترجیح می‌داد که وقت خود را صرف اختراع باروت بدون دود کند و از این رو می‌خواست که ماده منفجره ژلاتینی‌ای بسازد که مقاومتر باشد و بتواند در زیر آب نیز مورد استفاده قرار گیرد. نوبل مقتدر، خانه باشکوه و زیبایی در ترومباگ خرید و مقیم پاریس شد. از سوی دیگر در اصطیل خانه‌اش اسبهای خوبی نگهداری می‌کرد. کالسکه خود را به چرخهای لاستیکی مجهز کرده و محتاطانه و متین و در کمال آرامش آن را می‌رانند. (چرخ لاستیکی در آن زمان وجود نداشت، اما از آنجا که نوبل نیاز بدان را تشخیص داده بود، آن را در کنار دیگر پژوهشهای علمی خود ساخت و عرضه کرد. ابریشم مصنوعی، چرم مصنوعی و موتورهای گازی نیز از جمله اختراعاتی است که توسط نوبل به ثبت رسیده است.)

نوبل ویلایی در سان‌رمو خرید و روح تازه‌ای به کالبد شرکت پوخورش (شرکت

اسلحه‌سازی) سوئدی دمید. او همچنین طرح آخرین ایستگاه زندگی را برای دوستداران خود کشی ارائه داد. ایستگاه مورد نظر پانسیون آرامش‌بخشی بود - با استاندارد بالا - که انسانها می‌توانستند تصمیم خود را برای خود کشی، در نهایت آرامش و احترام و با کمترین نابهنجاری، عملی کنند. چنین طرحی، هیچگاه عملی نشد. با این کار شاید منظور نوبل بیشتر آن بود که آرامش جامعه فرانسه را در هم بریزد.

او اغلب به مرگ دیگران و به مرگ خود می‌اندیشید و در سخنان و نوشته‌هایش نیز آن را بازتاب می‌داد. فکر اینکه روزی فرسوده شود و در تهایی بمیرد، آزارش می‌داد. اندیشه به اینکه بمیرد، در حالی که اطرافیانش، فقط پزشک و کارمندانش باشند به شدت افسرده‌اش می‌ساخت. او می‌ترسید که روزی به طور واقعی نمیرد، اما دیگران مرده‌اش پندارند و زمانی که او را در تابوت بگذارند، در زیر خاک، جان بگیرد و زنده شود. نوبل با غلبه بر همه ترسهایش، به انجام آزمایشهای خطرناک خود، روی ماده نیترو گلسیرین، این وسیله متغییر مرگزا، پرداخت. او به درستی و به روشنی خطر ویرانسازی آبی و حتمی را با استفاده از این ماده، پذیرفته بود. اما هرگز راضی نبود و نتوانسته بود بپذیرد که این خطر به کندی از یک شرایط مشخص به شرایط نامشخص انتقال یابد.

زنی که در زندگی آلفرد نوبل حضور داشته است، سوفیه هیس^{۱۰} نام دارد. سوفیه، دختری از یک خانواده فقیر بود که در یک مجازة گلفروشی در وین، کار می‌کرد. نخستین بار که آن دو یکدیگر را ملاقات کردند، آلفرد نوبل ۴۳ ساله و سوفیه ۲۰ ساله بود.

آلفرد در وین به یک مهمانی شام دعوت شده بود و برای رفتن بدانجا می‌خواست دسته‌ای گل بخرد. به نزدیکترین مجازة گلفروشی رفت. دختر زیبایی که در آنجا کار می‌کرد، او را در خرید گل، کمک کرد. دختر موهایی تیره و چشمانی به رنگ آبی - خاکستری داشت. قامتش کوتاه ولی خوش‌تراش بود. روحیه انزوا گزینانه آلفرد موجب آن نشد که با دختر سر صحبت را باز نکند.

سوفیه دختری زیبا بود، اما تحصیلات کافی نداشت. آلفرد نوبل هرگز نتوانست این دو ویژگی او را (زیبایی و کم‌سوادی) با یکدیگر همخوان سازد. او جذب زیبایی دختر شده بود. سوفیه دختری سطحی و کم‌سواد بود و همین امر باعث آزرده‌گی و دل‌سردی نوبل می‌شد. هنگامی که او می‌خواست به پاریس برود، سوفیه خواست که او نیز در این سفر همراهش باشد و در نتیجه آنقدر گریه و زاری کرد که نوبل پذیرفت او را همراه خود به پاریس ببرد. در پاریس آپارتمانی برای دختر اجاره کرد و دقت زیادی را به تربیت او اختصاص داد و دشواریهای زیادی را بر خود هموار ساخت تا بتواند از یک دختر گلفروش، زنی شایسته بسازد.

اما طبیعی بود که آلفرد نوبل نمی‌توانست معجزه کند و به همین دلیل تصوراتش عملی

نشد و بانوی آرزوهایش از نیایشهای او نیز تکانی نخورد. او برای دگرگون کردن شخصیت سوفیه از هیچ چیز دریغ نورزید. از جمله از نثار وقت، توان، فکر، نامه، پول و احتمالاً عشق، آنهم در بُعدی گسترده. با این وجود، در درازمدت، هیچکدام از اینها نتوانست مؤثر واقع گردد. هیچیک از آن دو - سوفیه و آلفرد نوبل - نه، می‌خواستند و نه می‌توانستند در خود تغییرات اساسی ایجاد کنند.

سوفیه هیس، تا زمانی که دوست ثروتمندش، آلفرد زنده بود بسیار از این امر راضی بود و زمانی که او درگذشت، با استفاده از نامه‌های نوبل به خود و تحت فشار قرار دادن مأموران اجرای وصیت، پول بیشتری به دست آورد. نامه‌های عاشقانه آلفرد نوبل به او، حکم یک کالای بازرگانی را داشت.

زمانی که سوفیه از زندگی آلفرد نوبل کنار رفت، آلفرد توانست کارهای عملی‌اش را ادامه دهد، دست به اختراعات تازه‌ای بزند، امتیازات تازه‌ای را به ثبت رساند و آنها را تکامل بخشد. طبیعی است که همه کارهای او در جهت رفاه، آسایش و بهزیستی انسان قرار نگرفت.

دینامیت هم در جنگ و هم در صلح قابل استفاده بود. او در زمینه ساخت وسایل جنگی نیز اختراعاتی داشت. از جمله توپهای ضدهوایی جنگی که هم بُرد زیادی داشت و هم تأثیرات ویران‌کننده‌تری از توپهای جنگی عمومی و سنتی به جا می‌گذاشت. با وجود همه اینها، نوبل از جنبش صلح‌طلبانه زمان خود به شدت پشتیبانی می‌کرد. گفته می‌شود او معتقد بود که سلاحهای ترسانگیز جنگی، انسانها را از دست‌بردن به آنها و از جنگیدن باز می‌دارد. بدینوسیله که انسانها از تأثیرات هراسناک این سلاحها آگاه می‌گردند و در نتیجه از دست بردن به آنها خودداری می‌ورزند.

احتمالاً آلفرد نوبل آرزو می‌کرده است که بدینوسیله در جهان، توازن قدرت پدید آید. هر چند این اندیشه تا کنون به مرحله عمل نرسیده است.

نوبل در ویلای خود در سان‌رموی ایتالیا، در تاریخ ۱۰ دسامبر سال ۱۸۹۶ مرگ را در آغوش گرفت؛ مرگی که از آن هراس بسیار داشت و در زمان حیاتش نیز این هراس را به تماشا گذاشته بود. او درست در حالی مرد که اطرافیانش را پزشک او و کارکنانش تشکیل می‌دادند؛ بی‌آنکه دوست و آشنایی در کنارش حضور داشته باشد. ماده نیتروگلسیرین تا لحظات آخر زندگی‌اش با او بود. زیرا که تا آن زمان دچار چند حمله قلبی شده بود و پزشک به عنوان دارو آن را برایش تجویز کرده بود.

آلفرد نوبل لحظاتی قبل از مرگش نوشت: نام این دارو را ترینترین بگذارید، تا مردم و داروخانه‌ها از نام واقعی آن - نیتروگلسیرین - دچار وحشت نشوند. او به خوبی به آنچه که کرده بود، آگاه بود. در لحظات آخر زندگی‌اش، دچار خونریزی مغزی شد و روی میز کارش

اقتاد. او را به اتاق خوابش بردند. اما این مسأله موجب شد که قوه گویایی اش را برای همیشه از دست بدهد.

آلفرد نوبل در پاریس وصیت‌نامه‌ای از خود به جای گذاشت که نام او را در جهان مشهور ساخت. تمام آنچه را که در وصیت‌نامه آمده - به جز بخش آخر آن - مربوط است به بخشیدن ثروتش به عنوان جایزه، به کسانی که پس از او به انسانیت خدمت می‌کنند. بخش آخر وصیت‌نامه، مربوط به خود اوست و در آن خواستی را مطرح می‌کند:

«همانطور که خواسته‌های دیگرم را به طور کتبی مطرح کرده‌ام، می‌خواهم پس از مرگ رگهای مرا بپرید و زمانی که مرگم قطعی شد، و پزشکان توانا آن را تأیید کردند، جسمم را در کوره مخصوص سوزاندن اجساد، بسوزانید.»

هستی و وجود آلفرد نوبل، همچون محتوای اختراعات او، اسرارآمیز شد. اما او خیال خود را در مورد مرگ حتمی‌اش، مطمئن ساخت.

جایزه نوبل

ثروت و وصیت‌نامه آلفرد نوبل، زمینه‌ساز جایزه نوبل شده است. او پس از مرگ خود، بیش از ۳۱ میلیون کرون پول و وصیت‌نامه‌ای به جای گذاشت که شخصاً به تنهایی و بدون مشورت یا کمک کسی آن را نوشت.

۲۰۴

دارایی نوبل، در زمان خودش، ثروت کلانی به حساب می‌آمد. وصیت‌نامه‌اش همچون ویژگی‌های دیگر او، اسرارآمیز و تا اندازه‌ای درک آن دشوار بود. در آغاز به نظر می‌رسید که ثروت تقسیم نشده و دست نخورده او نیز از نظر بهره‌برداری اشکال زیادی در بر خواهد داشت. املاک و دارایی نوبل نخست در فرانسه بود. اما جای هیچ شکمی نبود که ثروت او باید به سوئد منتقل گردد، تا مشخصات وصیت‌نامه در مورد تأسیس بنیاد نوبل و توزیع جوایز صورت عملی به خود بگیرد.

در آغاز کار مهم این بود که به جهانیان شناسانده شود که آلفرد نوبل سوئدی بوده و نام او در دفاتر ثبت احوال سوئد ثبت شده است.

وضع به گونه‌ای حساس و آسیب‌پذیر بود، زیرا وقف‌کننده پول، یعنی آلفرد نوبل نشانی ثابتی در سوئد نداشت. چرا که روشن شد او پس از سن ۹ سالگی، به طور ثابت در سوئد ساکن نبوده است.

کمی پس از مرگ او، یک هیأت سوئدی مسأله را بررسی و دنبال کرد و توانست ثابت کند که آلفرد نوبل محل سکونتی در بوفورس داشته است.

دادگاه شهر کارلستاد^{۱۱}، مؤسسه‌ای بود که برای این کار در نظر گرفته شده بود تا

بتواند از منافع سوئد و سوئدیه‌ها حمایت کند.

ثروت نوبل بی هیچ مشکلی به سوئد انتقال داده شد. این کار به شکلی انجام گرفت که مشکل ویژه‌ای پدید نیاورد. کسانی که عامل این انتقال بودند، معتقد بودند که خطر این مسأله وجود دارد که قسمتی از این ثروت هنگامت، در فرانسه شامل مالیات گردد. آنها می‌خواستند که از چنین پیشامدی اجتناب کنند و ثروت را به شکلی به سوئد انتقال دهند که کاملاً قانونی باشد. پولها، اسناد و مدارک با وسایل نقلیه سریع، از صندوق مخفی بانکی در فرانسه به سوئد انتقال داده شد.

یک جوان سوئدی به نام رگنر سولمن^{۱۲} که در زمان حیات نوبل همکاری با او بود، به عنوان محافظ مسلح، این محموله را همراهی کرد. محموله نخست به کنسولگری سوئد در پاریس انتقال یافت و از آنجا در بسته‌های کوچک به سوئد فرستاده شد. پولها با تمام جزئیات خیال‌انگیز و اسرارآمیزشان راه خود را به محل واقعی خویش پیدا کردند.

بنیاد نوبل در سوئد تشکیل شد و وظیفه یافت تا وصیت آلفرد نوبل را عملی سازد. این بنیاد مسئولیت امور اجرایی به کار انداختن ثروت نوبل، اداره امور مربوط به کارهای عملی و اداری و ارزشیابی امور و تقسیم جوایز را به عهده دارد.

یک هیأت مدیره که مدیرعامل آن از سوی دولت انتخاب می‌شود این بنیاد را اداره می‌کند. بقیه اعضای این هیأت از سوی مؤسسات تقسیم جوایز انتخاب می‌شوند.

بنیاد نوبل برگزارکننده میهمانی و جشنی است که هر ساله به مناسبت تقسیم جوایز برگزار می‌گردد. این بنیاد، هر ساله، کتابی چاپ می‌کند که نام جایزه نوبل که دربردارنده زندگینامه و سخنرانیهای افرادی است که موفق به دریافت جایزه نوبل می‌گردند. هر سال پنج جایزه داده می‌شود که شامل جایزه صلح، ادبیات، فیزیک، شیمی و جایزه در علم پزشکی می‌شود.

جایزه دهندگان نیز عبارتند از فرهنگستان علوم، مؤسسه کارولین، فرهنگستان سوئد و نیز یکی از کمیته‌هایی که از طرف مجلس نمایندگان نروژ - برای جایزه صلح - در نظر گرفته شده است.

جایزه نوبل می‌تواند به دو کار تعلق گیرد و یا به طور مشترک به دو یا سه نفر که یک کار مشترک را انجام داده‌اند، داده شود. یک مؤسسه یا اتحادیه نیز می‌تواند جایزه صلح نوبل را به خود اختصاص دهد.

مبلغ جایزه، سال به سال تغییر می‌کند و بستگی مستقیم به سود سالانه بنیادها دارد. کسانی شایستگی دارند نامزدهای جایزه نوبل را به این مؤسسات معرفی کنند که خود

مستقیماً سالانه از سوی این بنیادها دعوت شوند و پیشنهادهایی را به آنها ارائه دهند. تنها اشخاص دارای حق این پیشنهاد هستند و فرهنگستانها یا شرکتهای از این حق برخوردار نیستند. مؤسسات تقسیم جوایز کاملاً مستقل هستند. آنها اجازه نمی‌دهند که از پیش، از سوی کسی، خارج از مؤسسه، تحت تأثیر قرار گیرند. تصمیم جایزه‌دهندگان لازم نیست که از سوی دولت یا سازمانی تأیید گردد. در کار اهدای جایزه نه دولت می‌تواند دخالت کند و نه شخصی به عنوان نماینده دولت.

دهندگان جوایز کمیته‌هایی ایجاد می‌کنند تا در مورد نامزدی جایزه نوبل تحقیقاتی را آغاز کنند و نیز مسئولیت آن را برای تحقیق، جواب و سرانجام تصمیم‌گیری به عهده گیرند. مؤسسه نوبل نیز در این زمینه وظیفه مشابهی دارد، در عین حال که به کار پژوهش نیز می‌پردازد.

تقسیم جوایز در استکهلم و اسلو، در روز دهم دسامبر، سالگرد مرگ نوبل انجام می‌گیرد. این روز، روز بزرگی برای بنیاد نوبل و نیز یکی از روزهایی است که مراسم ملی در آن انجام برگزار می‌شود.

جایزه نوبل، از طرف پادشاه سوئد به افراد مورد نظر و در مراسم ویژه‌ای در سالن کنسرت استکهلم داده می‌شود. در نوروز، مدیرعامل کمیته نوبل جایزه صلح را در سالن دانشگاه اسلو، به فرد برنده جایزه می‌دهد. دریافت‌کننده جایزه، به جز پول، یک دیپلم و نیز یک مدال طلا دریافت می‌کند. اگر جایزه نوبل نتواند در آن سال تقسیم شود، مبلغ مورد نظر به سال بعد اختصاص خواهد یافت.

اعطای جوایز نوبل، چند سال، در خلال جنگ جهانی اول و دوم متوقف شد. فرهنگستان سوئد در مورد تقسیم جایزه ادبیات نوبل، خود تصمیم می‌گیرد. این فرهنگستان در سال ۱۷۸۶ از سوی پادشاه سوئد، گوستاو سوم پایه‌گذاری شد و وظیفه‌اش آن بود و هست که ادبیات داستانی، هنر شعر، دانشهای ادبی، زبانی، پالایش زبان و پژوهش تاریخی را حمایت کند. فرهنگستان سوئد به توزیع جایزه نوبل و پرداخت کمک هزینه به افراد، مجلات و طرحهای مربوط به روزنامه‌نگاری و مواردی از این قبیل نیز می‌پردازد.

فرهنگستان این کشور، هر ساله سعی می‌کند مبلغ ویژه‌ای را که برابر با سه جایزه نوبل است، به عنوان هزینه کار واژه‌نامه فرهنگستان مورد نظر، اختصاص دهد. این هزینه از طریق پول اهداکنندگان و از درآمد امتیازات فرهنگستان که برای انتشار روزنامه‌های داخلی دارد، تأمین می‌شود.

فرهنگستان سوئد از ۱۸ عضو تشکیل می‌شود که برای تمام عمر و توسط خود فرهنگستان انتخاب می‌گردند. یکی از این اعضاء رئیس فرهنگستان است که می‌تواند تا سن

۷۰ سالگی در پست خود باقی بماند. برای هر شش ماه یک مدیرعامل و یک معاون مدیرعامل، در نظر گرفته می‌شود. تمام کسانی که در رهبری فرهنگستان عضویت دارند، خود، عضو آن نیز هستند.

این بنیاد، در ۹ ماه از سال، هر پنجشنبه، نشستی برگزار می‌کند. در ۲۰ دسامبر - که برابر است با تولد پادشاه سوئد، گوستاو دوم - در ساختمان بورس در استکهلم یک جشن همگانی و باشکوه برگزار می‌گردد. در آنجا اعضای جدید در سر جای خود مستقر می‌شوند و در سخنرانیهای خود، از اعضای سابق فرهنگستان قدردانی به عمل می‌آورند.

فرهنگستان سوئد زیر نظر هیچ مقام و دستگاه دولتی نیست. حدود نیمی از اعضای آن نویسنده و ادیبند و بقیه نیز پشتیبان و نگهدارنده ادبیات و آشنا بدان. در آغاز کار بین افراد فرهنگستان همخوانی کامل در مورد توزیع جایزه ادبیات نبود. آنها بدین مسأله آگاه بودند که در این راه به دشواریها و انتقادات زیادی، در مورد تصمیم و انتخاب برنده جایزه برخورد خواهند خورد.

این بنیاد در ساختمان بورس - نزدیک کاخ سلطنتی در استکهلم - دفتر پذیرش و سالنهای بزرگ نشست دارد. محل مذکور از دیرباز، یعنی از قرن ۱۸، به برگزاری چنین نشست‌هایی اختصاص داشته است. کتابخانه معروف نوبل نیز در همان ساختمان، قرار دارد.

۲۰۷

همچون دیگر مؤسسات توزیع جوایز، فرهنگستان زبان، به تشکیل یک کمیته نوبل دست می‌زند که اعضای آن از ۵ نفر عضو دائم و یک عضو جانشین تشکیل می‌گردد که از اعضای خود فرهنگستان انتخاب می‌شوند. کمیته برای مدت ۳ سال انتخاب می‌گردد و حق تجدیدنظر نیز دارد.

کمیته نوبل به کار بررسی آثار ادبی از سوی اعضای آن، که به دریافت جایزه نوبل ادبیات نائل می‌شوند، نظارت می‌کند. این کمیته یک فهرست توضیحی از نام کسانی که نامزد جایزه هستند، تهیه می‌کند. رئیس کتابداران کتابخانه نوبل، به عنوان منشی کمیته انجام وظیفه می‌کند که حق رأی نیز دارد. جانشین او و نیز متخصص امور ادبی مؤسسه نوبل دارای حق رأی نیستند. کمیته در ارتباط نزدیک با همه اعضای فرهنگستان کار خود را به انجام می‌رساند.

کار کمیته بررسی و گزارش آن به شکل فهرست توضیحی از نویسندگان نامزد جایزه، از اهمیت بسیار برخوردار است. اما به هیچ روی به معنی آن نیست که فرهنگستان را به انتخاب برنده جایزه نوبل، مقید سازد.

کتابخانه نوبل، جزو مؤسسه نوبل فرهنگستان سوئد است که بزرگترین کتابخانه شمال اروپا در زمینه ادبیات داستانی است. کتابهای آن اگر در کنار هم چیده شوند، طول آنها به چهار و نیم کیلومتر می‌رسد. کتابخانه مورد نظر، دقیقاً به آفرینش ادبی بین‌المللی و نیز

انتقاداتی که در این زمینه می‌شود، توجه دارد. کتابخانه نوبل برای بهره‌گیری همگان باز است و با دیگر کتابخانه‌های عمومی، همکاری دارد بی‌آنکه هیچگونه کمک هزینه دولتی یا منطقه‌ای دریافت کند. بودجه آن کاملاً از سوی بنیاد نوبل و فرهنگستان سوئد پرداخت می‌شود.

کسانی که حق دادن پیشنهاد نامزد جایزه نوبل را دارند عبارتند از اعضای فرهنگستان و مؤسسات مشابه آن، استادان رشته ادبیات و زبان و نیز کسانی که قبلاً برنده جایزه نوبل ادبیات شده‌اند. اینان می‌توانند افراد دلخواه خود را به عنوان نامزد جایزه نوبل، پیشنهاد کنند. در این میان کسانی که مسئول کانونهای نویسندگان هستند و چنین برمی‌آید که می‌توانند به شکل گسترده، ادبیات داستانی کشور خویش را نمایندگی کنند نیز از این حق پیشنهاد، برخوردارند.

پیشنهادهای کتبی می‌بایست پیش از پایان ماه ژانویه در اختیار فرهنگستان سوئد و یا کمیته نوبل آن، قرار گیرد. پیشنهادها باید انگیزه و دلیل کافی داشته باشند. کسی که قبلاً به عنوان نامزد جایزه، پیشنهاد گردیده و برنده نشده است، حق دارد که دوباره نیز پیشنهاد گردد. هیچ کس نمی‌تواند خود را نامزد جایزه نوبل سازد. چنین پیشنهادی نه تنها از سوی فرهنگستان سوئد مورد توجه قرار نمی‌گیرد، بلکه بی‌هیچ تفسیری راهی سطل زباله می‌گردد.

کمیته نوبل برای اینکه جان تازه‌ای به موضوع نامزدی جایزه بدمد، دعوتنامه‌ای برای ۱۵۰۰ نفر از افرادی که حق پیشنهاد نامزد جایزه در درون گروه‌ها را دارند، می‌فرستد. به هر صورت تمام کسانی که شایستگی پیشنهاد نامزد جایزه نوبل را دارند، چه دعوتنامه دریافت کرده باشند و چه نه، دارای حق دادن پیشنهاد هستند.

فرهنگستان، هر سال ۳۰۰ تا ۴۰۰ پیشنهاد دریافت می‌کند. بسیاری نامزد واحدی را پیشنهاد می‌کنند. گستردگی پیشنهادها چنان است که می‌تواند دربرگیرنده ۱۰۰ تا ۱۵۰ نام باشد. شماری از افراد پیشنهاد شده، کسانی هستند که قبلاً پیشنهاد شده‌اند، اما با این وجود ۱۰ تا ۱۲ نام تازه نیز به فهرست جدید پیشنهادها اضافه می‌شود.

این مسأله بسیار غیرعادی خواهد بود که کسی در همان دور اول نامزدی جایزه نوبل، برنده شود.

تمام نامزدهایی که در زمان مناسب از سوی یک شخص یا مؤسسه باصلاحیت پیشنهاد یا مطرح شده‌اند، نامشان در فهرست نامزدهای جایزه، از سوی کمیته نوبل می‌آید. در این مرحله نام هیچکس از فهرست حذف نمی‌شود. فهرست پیشنهادها که ممکن است با نامهای جدید کامل گردد، در دستور کار فرهنگستان قرار می‌گیرد. تمام کسانی که نامشان در فهرست ذکر شده، مورد ارزشیابی قرار می‌گیرند. در مورد نامزدهایی که ممکن است برای گرفتن جایزه مطرح باشند، از سوی کمیته نوبل بررسی‌هایی آغاز می‌گردد. هر چه نام کسی

بیشتر مطرح باشد طبعاً بررسی در مورد او گسترده‌تر خواهد بود. آثار نویسندگان مورد نظر و یا ترجمه‌های آنها اگر در کتابخانه نوبل موجود نباشد، تهیه می‌گردد. اگر نویسنده مورد اشاره به زبانی می‌نویسد که آثارش در دسترس نیست و از آن نیز ترجمه‌ای به عمل نیامده است، در آن صورت می‌توان ترجمه آزمایشی کارهایش را ترتیب داد.

متخصصان در سوئد و یا در خارج از آن، برای کامل کردن بررسیها به کار مشغول می‌شوند. در آغاز و در پایان، اعضای فرهنگستان، آن بررسیها را مورد مطالعه قرار می‌دهند و چندین بار آنها را می‌خوانند.

زمانی که کمیته نوبل کار بررسی خود را به پایان برساند، فهرستی از افراد شایسته‌تر برای جایزه نوبل را در اختیار فرهنگستان می‌گذارد و خود نیز به یک تقسیم‌بندی میان پیشنهادهای گوناگون دست می‌زند.

فرهنگستان معمولاً در اواسط یا اواخر ماه اکتبر، برای انتخاب برنده جایزه تصمیم می‌گیرد. فرد برنده از طریق یک رأی‌گیری کتبی در اتاقهای در بسته انتخاب می‌شود.

برای اینکه انتخاب برنده جایزه، معتبر باشد، باید دست کم ۱۲ نفر از اعضای فرهنگستان در رأی‌گیری شرکت کنند و نامزد جایزه، بیش از نصف آراء را به خود اختصاص دهد. همین که فرهنگستان تصمیم خود را بگیرد، این خبر به آگاهی عموم می‌رسد و برنده جایزه از طریق تلگراف از این تصمیم آگاه می‌شود. هنگام اعلام تصمیم فرهنگستان، دلایل آن نیز به اختصار ذکر می‌شود.

دلایل و انگیزه‌های فرهنگستان نیز در دیلمی که برنده جایزه، در روز ۱۰ دسامبر - که روز نوبل است - دریافت می‌کند، نوشته می‌شود. شخص برنده، با نزدیکترین خویشاوندانش به مراسم توزیع جایزه و جشن آن در استکهلم، دعوت می‌شود. اگر برنده جایزه در مراسم دریافت آن سخنرانی نکند، به جای آن می‌تواند نوشته یا مقاله‌ای در اختیار فرهنگستان بگذارد که در کتاب سالانه نوبل، چاپ شود.

وصیت‌نامه نوبل که قاعداً سند ارزشمندی برای جایزه نوبل است، موضوع تعبیر و تفسیرهای گوناگون قرار گرفته است. در اینکه او با اهدای ثروت خود، جهت جایزه نوبل، دارای نیت بسیار خوبی بوده است، از سوی هیچکس مورد تردید نیست. با این وجود، این موضوع مورد بحث بوده و هست که او با این وصیتش چه منظوری داشته است؟

محتوای وصیت‌نامه چیزی است که همه با آن توافق دارند. اما اینکه در عمل، جزئیات آن چگونه باید اجرا شود، نظرات مختلفی وجود دارد. اینکه جایزه نوبل یک اعتبار فرهنگی برجسته دارد و نیز پول آن مبلغ بسیار قابل ملاحظه‌ای است، توجه انسان را به اهداکننده آن و نظراتش جلب می‌کند. همه جوایز می‌بایست مطابق با این بخش از وصیت‌نامه، توزیع شود:

«آنها که در خلال سالهای دیرین، به بشریت خدمت کرده‌اند.»

حاد بودن جایزه نوبل، بسیار مورد بحث قرار گرفته است. انسان، جوهر وصیت‌نامه نوبل را اینگونه یافته است که جایزه باید به کسانی داده شود که نتایج تازه کار آنان، در حوزه فعالیت‌های فرهنگی نمود داشته باشد و کارهای کهنه در همین زمینه، تنها زمانی باید مورد توجه قرار گیرد که در زمان حاضر، دوباره مطرح شده و یا مورد بحث قرار گرفته باشد.

واپسین جمله وصیت‌نامه مخترع دینامیت این است:

«دهنده جایزه نوبل نباید مسأله ملیت گیرنده جایزه را مورد توجه قرار دهد که آیا

مربوط به کشورهای اسکاندیناوی است و یا جای دیگر.»

آلفرد نوبل در مورد جایزه نوبل ادبیات، مبهم‌ترین جمله را اظهار داشته است:

«جایزه باید به کسی داده شود که کارهایش، دارای محتوا و سمت و سوی آرمانگرایانه

باشد.»

تا کنون کسی موفق به دریافت منظور نوبل از واژه «آرمانگرایانه» در وصیت‌نامه‌اش نشده است. به اینکه این موضوع در آینده روشن شود چندان امید نیست. آلفرد نوبل، تنها کسی بود که می‌توانست این موضوع را روشن سازد. اما او هرگز چنین نکرد.

* این مقاله برگرفته شده از کتاب جایزه نوبل است که گزارش اعطای جایزه، بین سالهای ۱۹۰۱ تا ۱۹۸۲ را در بر می‌گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1. San Remo
2. Nobelius
3. Nöbbelöv
4. Kristianstad
5. Immanuel Nobel
6. Helenebory
7. Pálsundet
8. Bockholm
9. Mälaren
10. Sophie Hess
11. Karlstad
12. Ragnar Sohilman